



دکتر علی سروش  
هیت علمی مرکز مطالعات آمریکا

## هشت گانه

# آنچه بحران اوکراین به جهان آموخت

## هشت درسی که باید از بحران اوکراین گرفت

عدم اعتماد به نفس را می توان، در رویکرد غرب گرایانه دولت و مردم اوکراین دانست. (۲). بحران اوکراین، نشان داد این تحلیل که نظم تک قطبی پایان یافته و قدرت هایی چون چین، نقش جدی پیدا کرده اند و نظم جدیدی شکل گرفته و قدرت در نظام بین الملل شبکه ای شده است، یک تحلیل درست بوده و ما در آینده، شاهد تحولات جدید مبتنی بر نظم جدید، خواهیم بود و سیاستمداران، باید بر اساس این نظم جدید، برنامه ریزی و سیاست ورزی کنند. (۳). مهم ترین درسی که می توان از بحران اوکراین گرفت، آن است که قدرت آمریکا، افول پیدا کرده است؛ زیرا این حادثه، نشان داد که آمریکایی ها، حتی حاضر نشدند علیه روسیه، تهدید جدی صورت بدهند و بعد از خروج آمریکا از افغانستان، در فاصله چند ماه شاهد آن بودیم که آمریکا، نمی تواند حتی در قلب اروپا، قدرتش را نشان دهد یا اعمال کند. (۴). حادثه اوکراین، به جهانیان نشان داد که اعتماد به غرب، حتی در خود کشورهای غربی نیز کمتر از گذشته شده است و شاهد آن بودیم که اوکراین، هنگامی که بیشتر از گذشته رویکرد غرب گرایانه را در پیش گرفته بود

پس از ماه ها تجمع نیروها و تانک ها، هشدارهای تلخ درباره خشونت و تضمین های مبهم صلح و تلاش ها برای دیپلماسی در واشنگتن، اجلاس متعدد در سازمان ملل و پایتخت های اروپا، حمله روسیه به اوکراین، بامداد پنجشنبه، ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ با بمباران آغاز شد. فارغ از تأثیراتی که این حادثه بر جامعه بین الملل داشت، می توان گفت که این حادثه برای جمهوری اسلامی ایران، از هشت درس برخوردار بود؛

(۱). خودیاری، اولین درسی است که می توان، از این حادثه گرفت. در روابط بین الملل، خودیاری این چنین مطرح می شود: «قدرت ملی هر کشور، می تواند ضامن امنیت آن کشور باشد و به عبارت دیگر نباید به هیچ کشوری دیگر اتکا کرد». نکته ای که در اینجا حائز اهمیت بوده، آن است که منظور از عدم اتکا در این تعریف، به معنای عدم همکاری بین دو کشور نیست. مهم ترین آسیب این اتکا، این است که اعتماد به نفس ملی و غرور ملی را می گیرد و خدشه دار می کند. در بحران اوکراین، دیدیم که چگونه مردم، پشت کشورشان را خالی کردند و برای مهاجرت صف بستند. علت این

و در آستانه پیوستن به ناتو بود، به هنگام جنگ با روسیه، بدون هیچ حمایتی بیکه و تنها ماند. (۵). جنگ روسیه با اوکراین، به غرب‌گرایان داخل کشور نشان داد که چاقویا همان تحریم‌ها، دیگر کارایی ندارد و بازدارندگی تحریم‌ها از بین رفته و به عبارتی، چاقو کند شده است. شاهدیم که آمریکایی‌ها در طول این چند سال اخیر، تحریم‌های بسیاری را علیه ایران، روسیه، چین و بیش از ۲۰ کشور اعمال کرده‌اند اما نتوانستند، جواب بگیرند. امروزه دیگر تحریم، به مثابه یک ابزار بازدارنده نخواهد بود و همان‌طور که می‌بینیم، آمریکا با سلاح تحریم، نتوانسته است روسیه را از کار بیندازد تا دست از جنگ بردارد. (۶). اهمیت استقلال و رأی مردم، دیگر درسی است که می‌توان از بحران اوکراین گرفت. در این خصوص، باید گفت که اوکراین، بسیار قبل‌تر از جنگ امروز خود با روسیه و در سال ۲۰۰۴، زمانی که انقلاب نارنجی یا مخملی شکل گرفت، استقلالش را از دست داد و باعث شد که مجلس اوکراین به واسطه فشارهای سیاسی که به این کشور شد (مبنی بر این‌که در انتخابات تقلب شده است)، رأی

مردم را باطل کند و دولت غربی که با رأی مردم نبود، سرکار بیاید، لذا بسیار مهم است که ما به رأی مردم احترام بگذاریم، زیرا این رأی مردم، پشتوانه استقلال و قدرت هر کشوری است. (۷). جنگ اوکراین نشان داد که قدرت سخت، همچنان مهم است و در معادلات سیاسی و بین‌الملل، جایگاه خودش را دارد و دیپلماسی در کنار میدان است که معنا پیدا می‌کند و قطعاً، اگر دیپلماسی پشتوانه میدان، قدرت و موشک نداشته باشد، کارساز نخواهد بود و ما دیدیم، اوکراینی که زمانی سومین قدرت هسته‌ای بود، داوطلبانه قبول می‌کند تا سلاح هسته‌ای خود را در قبال قول آمریکا، مبنی بر تضمین امنیت کشورش تحویل بدهد. (۸). در نهایت، باید گفت که در حادثه اوکراین، ما شاهد استانداردهای دوگانه بودیم و کمتر از یک هفته از جنگ، نگذشته بود که بسیاری از نهادهای مختلف (ورزشی، اجتماعی و...) علیه روسیه و به حمایت از اوکراین آمدند که بیشتر جنبه رسانه‌ای داشت اما می‌بینیم که همین نهادها با گذشت چندین سال از جنگ علیه مردم یمن و

فلسطین، حتی حاضر نشدند کمتر از آنچه در واکنش به حادثه اوکراین انجام دادند، اقدامی کنند. در انتها باید گفت که از این تحول تاریخی، باید به مثابه یک آزمایشگاه علوم سیاسی استفاده کنیم و درس‌های لازم را بگیریم و این‌گونه نباشد که بخواهیم، دوباره این درس‌ها را با هزینه‌های زیاد تجربه کنیم، بلکه باید به خود و قدرت ملی‌مان، اعتماد کنیم و این سرمایه بزرگ را با اعتماد به کشورهای غربی، معامله نکنیم و از قدرت‌های تحریم نهراسیم و تلاش کنیم، به نظم جدید بین‌المللی، توجه نماییم و بر اساس آن برنامه‌ریزی کنیم.